خبر

بازگشایی موزه نظامی ارتش در مجموعه سعدآباد تهران

موزه نظامی ارتش که یکی از بی‌نظیرترین موزه‌های تاریخی جهان محسوب می‌شود، پس از هشت سال تعطیلی و سه سال کار مرمت و بازسازی توسط ارتش با حضور امیر دریادار حبیب ا... سیاری، رئیس ستاد و معاون هماهنگ‌کننده ارتش جمهوری اسلامی ایران در مجموعه فرهنگی ـ تاریخی سعدآباد مجدد بازگشایی شد. امیر دریادار سیاری در این مراسم با بیان این‌که موزه‌ها نشان‌دهنده تاریخ، فرهنگ و تمدن ملت‌ها هستند، گفت: موزه‌ها از جایگاه بالا و ارزشمندی در کشورها برخوردار هستند به طوری که موضوع آشنایی با موزه‌ها، جزئی از دروس مدارس و واحدهای دانشگاهی قرار داده شده است. وی ادامه داد: از آنجا که موزه‌های نظامی سیر تحولات تجهیزات دفاعی را در طول تاریخ به معرض نمایش می‌گذارند در این موزه نیز انواع البسه نظامی، تجهیزات، ادوات و سلاح‌های مختلف و سیر تحول آنها از زمان هخامنشیان تاکنون به معرض نمایش گذاشته شده و حدود ۴۰۰۰ سلاح و اشیای نظامی در کنار هدایایی که در مقاطع مختلف به مسئولان کشور اهدا شده در معرض دید عموم قرار گرفته است.

سیاری گفت: امروز ما شاهد بازگشایی موزه نظامی در مجموعه سعدآباد تهران که یکی از ارزشمندترین موزه‌های نظامی جهان است و در کشورمان هم نمونه ندارد، هستیم.

میزخبر

سخنرانی نوروزی رهبر انقلاب در تهران

مهدی فضایلی، عضو دفتر رهبر معظم انقلاب در فضای مجازی، نوشت: با توجه به تقارن ایام سال نو با ماه مبارک رمضان، سخنرانی نوروزی سالانه رهبر معظم انقلاب اسلامی، روز چهارشنبه اول فروردین، در حسینیه امام خمینی(ره) با حضور اقشار مختلف مردم انجام می‌شود.

تراژدی حلبچه، نمای استاندارد چندگانه غرب در حقوق بشر

ناصر کنعانی، سخنگوی وزارت امور خارجه درباره تراژدی حلبچه نوشت: ۲۵ اسفند سالروز حمله وحشیانه شیمیایی رژیم بعث عراق به مردم بی‌دفاع حلبچه بود؛ روزی که سرنوشت یک شهر در چند ثانیه رقم خورد و بیش از ۱۰هزار نفر در اثر استنشاق گاز سمی و ممنوعه دیده از جهان فروبستند. برای مردم حلبچه و نیز برای مردم شهرهای مرزی جمهوری اسلامی ایران که خود پیش از این قربانی این نوع سلاح شده بودند و در آن مقطع پذیرای مجروحان و بازماندگان این فاجعه تاریخی بودند، این روز سیاه و شوم هرگز فراموش نخواهد شد. تلخی یادآوری فاجعه حلبچه در بستر تاریخ، زمانی مضاعف می‌شود که به یاد می‌آوریم رژیم بعث عراق توسط برخی کشورهای اروپایی به توانایی تولید گازها و بمب‌های شیمیایی دست یافت و با وجود ممنوعه‌بودن استفاده از این نوع سلاح غیرانسانی، بارها از آن در جنگ تحمیلی علیه جمهوری اسلامی ایران و نیروهای ایرانی استفاده و در نهایت نیز برای تنبیه مردم شمال شرق عراق، مبادرت به استفاده گسترده از آن کرد.

دردناک‌تر از آنچه بر مردم حلبچه و سردشت و نیز جوانان برومند این سرزمین که برای دفاع از تمامیت ارضی ایران اسلامی همه هستی خود را هبه کرده بودند، گذشت، رفتار مزورانه و ناجوانمردانه برخی کشورهای غربی و حامیان رژیم صدام نسبت به استفاده از این سلاح و واکنش در خصوص آن بوده است. بر اساس گزارش‌های منتشره توسط سازمان ملل، رژیم صدام در طول سال‌های جنگ با جمهوری اسلامی ایران بیش از ۳۵۰ بار مبادرت به استفاده از سلاح‌های شیمیایی کرده است. حداکثر واکنش و تلاش سیاسی نهادهای بین‌المللی و کشورهای مدعی دفاع از حقوق بشر نسبت به این رفتارهای غیرانسانی، صدور بیانیه‌های بی‌ارزش بوده که در نهایت نیز از جمهوری اسلامی ایران می‌خواستند به قوانین و مقررات بین‌المللی پایبند باشد! این در حالی است که همان دولت‌ها در روزی که وزیر خارجه وقت آمریکا با آوردن شیشه‌ای کوچک که به ادعای خودش حاوی سم کشنده «سیاه‌زخم» بوده و رژیم صدام به توانایی ساخت و تولید آن برای «حمله گسترده به آمریکا» دست یافته بود، رأی به تنبیه و تغییر رژیم صدام دادند. رنج و درد جسمی و تألمات روحی ـ روانی ناشی از آنچه در جبهه‌های جنگ بر رزمندگان ایرانی و در مناطقی چون سردشت، شهرهای مرزی و در نهایت حلبچه بر مردم بی‌دفاع و غیرنظامی گذشت، شاید به مدد گذر ایام و کنش‌های روزگار به‌تدریج آرام گیرد، اما تلخی آن پاک نخواهد شد.

ازسرگیری فعالیت سفارت جمهوری آذربایجان در تهران

سیدعباس موسوی از سفر هیاتی به تهران برای آماده‌سازی مقدمات خبر داد و افزود: پیشینه تاریخی دو کشور و روابط عمیق فرهنگی و عاطفی میان مردمان دو سوی مرز حدودا ۸۰۰ کیلومتری ایران و جمهوری آذربایجان اجازه نمی‌دهد مشکلات و سوءتفاهمات ادامه‌دار باشد. وی ادامه داد: دو کشور سعی کردیم با عقل، درایت و تدبیر از مرحله سردی عبور کنیم و صفحه جدیدی در روابط دوجانبه بگشاییم. موسوی تصریح کرد: دست دشمنان مشترک و برخی کشورها و رژیم‌ها در منطقه و فرامنطقه به‌ویژه سرویس‌های امنیتی آنها در اختلاف‌افکنی میان ایران و جمهوری آذربایجان عیان است. موسوی حادثه هفتم بهمن سال گذشته و حمله به سفارت جمهوری آذربایجان در تهران را بسیار تلخ، غیرقابل پیش‌بینی و غافلگیرکننده دانست و افزود: اما همه شواهد و رفت‌وآمدهای بعدی مقامات قضایی و امنیتی دو کشور و اعتراف فرد ضارب نشان داد این اقدام فردی و با انگیزه‌های شخصی بوده است. این فرد دستگیر، محاکمه و به اشد مجازات محکوم شد. وی گفت: جمهوری اسلامی ایران در سیاست خارجی خود بر اساس اصول و مبانی ثابت حرکت می‌کند که قابل خدشه و تغییر نیست. مخالفت با اشغالگری و تجزیه‌طلبی از جمله این اصول اساسی است که در دوران اشغال، ایران را کنار جمهوری آذربایجان قرار داد.

رفتار دولت‌های دموکرات و جمهوریخواه در قبال ایران را بررسی کرده‌ایم

کاسبی غربگرایان با ترامپ هراسی

سکانس اول؛ دونالد ترامپ، موفق شد در انتخابات مقدماتی (درون‌حزبی) برای ریاست جمهوری آمریکا، در مجموع ۱۵ ایالتی که انتخابات در آنها برگزار می‌شد، از سوی رأی‌دهندگان به‌عنوان کاندیدای برتر حزب جمهوریخواه انتخاب شود و شبکه‌های آمریکایی از جمله سی‌بی‌اس، بر اساس نظرسنجی‌ها می‌گویند که مسائل مرتبط با مهاجران و اقتصاد آمریکا، دو مطالبه اصلی رأی‌دهندگان جمهوریخواه است. این رقابت‌ها از دو ماه پیش و در ایالت‌های آیوا و نیوهمپشایر کلید خورده بود. پیروزی‌های دونالد ترامپ در این مرحله فاصله او را تا معرفی‌شدن به‌عنوان نامزد نهایی حزب جمهوریخواه در انتخابات ریاست‌جمهوری ۲۰۲۴ بسیار کم کرد. حزب جمهوریخواه در انتخابات ریاست‌جمهوری ۲۴۲۹ نماینده نیابتی (دلگیت) دارد که نامزد نهایی باید در جریان رقابت‌های مقدماتی دست‌کم ۱۲۱۵ نماینده را به خود اختصاص دهد. انتخابات ریاست‌جمهوری قرار است ۱۵ آبان سال آینده برگزار شود. در سوی دیگر ماجرا و در اردوگاه دموکرات‌ها، جو بایدن موفق شد در ایالت‌های مختلف به پیروزی دست یابد.

سکانس دوم؛ با نزدیک‌شدن به پایان سال، بر تعداد گزارش‌های مرتبط با آینده‌نگری اقتصاد ایران در سال ۱۴۰۳ در برخی رسانه‌های جریان غربگرا افزوده شده و با ترسیم چشم‌انداز ناامیدکننده از شرایط اقتصادی و معیشتی مردم، این‌طور القا می‌کنند که تقویت ریسک انتخابات آمریکا بر شرایط اقتصادی ایران موثر است. به‌طور مثال روزنامه جریان کارگزاران برای چندمین‌بار این موضوع را به‌عنوان سوژه اول انتخاب کرد و با یادآوری سیاست‌های ترامپ در دور قبل، مدعی شد که ایران چاره‌ای جز بازسازی روابط خود با غرب ندارد و امیدی به موفقیت سیاست «نگاه به شرق» نیست. البته این موضوع در میان فعالان اقتصادی در شبکه‌های اجتماعی ضریب بالاتری می‌گیرد و با اعلام چشم‌انداز سه‌رقمی برای دلار در آبان سال آینده، به مخاطبان خود توصیه می‌کنند که دارایی‌های ریالی و تسهیلات بانکی را به ارز و طلا تبدیل کنند.

سکانس سوم؛ اما چرا دولت بایدن هیچ تفاوتی با ترامپ ندارد. به این مثال نگاه کنید؛ وضعیت اضطراری ملی در ارتباط با ایران از سوی بایدن یک سال دیگر تمدید شد. بایدن گفت که وضعیت اضطراری ملی در خصوص ایران که در فرمان اجرایی ۱۲۹۵۷ اعلام شد، یک سال دیگر ادامه خواهد یافت. پانزدهم مارس ۱۹۹۵ رئیس‌جمهور وقت آمریکا به موجب دستور اجرایی شماره ۱۲۹۷۵ اعلام کرد با هدف رسیدگی به تهدیدهای غیرمعمول و فوق‌العاده‌ای که اقدامات و سیاست‌های حکومت ایران علیه منافع ملی، سیاست خارجی و اقتصاد آمریکا ایجاد می‌کند، در مورد این کشور وضعیت اضطرار ملی اعلام می‌شود. رئیس‌جمهور وقت آمریکا در روز ششم می ۱۹۹۵ (۱۶ اردیبهشت ۱۳۷۴) با امضای یک دستور اجرایی دیگر به شماره ۱۲۹۵۹، تحریم‌های جامعی را علیه جمهوری اسلامی ایران اعمال کرد؛ وضعیت اضطراری فعلی که به موجب فرمان اجرایی اعمال می‌شود. این فرمان ریاست‌جمهوری آمریکا هم اولین بار ۱۰ روز پس از تسخیر سفارت آمریکا در تهران توسط رئیس‌جمهور وقت این کشور صادر شد. جیمی کارتر، رئیس‌جمهور وقت آمریکا، این فرمان را صادر کرد و خواستار توقیف دارایی‌های حکومت جمهوری اسلامی ایران در خاک آمریکا شد و از آن سال تا به‌امروز همه روسای جمهوری آمریکا آن را تمدید کرده‌اند. سکانس چهارم؛ باید در نظر داشت چه ترامپ پیروز میدان انتخابات آمریکا باشد و چه بایدن، یک موضوع مهم در سیاست خارجی آمریکا روشن است و آن هم روابط تخاصم‌آمیز این کشور با ایران است. البته روابط ایران و آمریکا که ماه‌ها پیش به سمت پیغام‌های غیرمستقیم در عمان، قطر و دیگر کشورهای منطقه رفته بود در سایه جنگ غزه و حملات حوثی‌ها در دریای سرخ بار دیگر متلاطم شده است.

ترامپیسم همان اوباماگرایی است

ترامپ مدام صحبت از توطئه و دسیسه چینی می‌کند. او از آخرالزمان و نبرد جهانی یا نبرد نهایی می‌گوید. به نظر می‌رسد می‌خواهد تا مردم آمریکا را از اتفاقات بسیار ناگواری بترساند و سپس خود را به عنوان ناجی کشورش و ناجی جهان معرفی کند تا بلکه از این طریق آرای مردم را به‌دست آورد. در بخش‌هایی از صحبت‌های ترامپ می‌توان ایران را پیدا کرد. پرونده ایران ازجمله موضوعاتی است که به گمان برخی تحلیلگران در سال ۲۰۲۰ باعث شد ترامپ یک دوره‌ای شود و نتواند برای بار دوم کرسی ریاست جمهوری آمریکا را کسب کند. در واقع روابط آمریکا با ایران در دوره ترامپ بود که با چالش‌های بسیار جدی همراه شد و در چند مورد خطر مقابله و رویارویی مستقیم میان آنها به صورت چشمگیری افزایش پیدا کرد. باراک اوباما، رئیس جمهور اسبق آمریکا طی سلسله مذاکرات بسیار زیاد با طرف‌های ایرانی بالاخره توانست تا توافق‌نامه‌ای جامع برای پیشبرد برنامه‌های صلح‌آمیز هسته‌ای جمهوری اسلامی ایران به امضا برساند. موضوعی که دستاورد بسیار بزرگی برای آمریکا و به‌ویژه حزب دموکرات محسوب می‌شد؛ چراکه برنامه جامع اقدام مشترک در عین این‌که هزینه چندانی برای آمریکا نداشت اما باعث می‌شد برنامه‌های هسته‌ای جمهوری اسلامی در زیر ذره‌بین نظارتی دولت فدرال رزرو و آژانس بین‌المللی اتمی قرار بگیرد. با این حال دولت اوباما بدترین تحریم‌ها را علیه ایران اعمال کرد.

از زمان اوباما محدودیت‌های اعمال‌شده جدید تمامی مؤسسات مالی را از انجام هرگونه مبادله مالی با بانک‌های ایران منع کرده است

درواقع «دست چدنی زیر پوشش مخلمین». این همان توصیفی بود که مقام معظم رهبری از پیشنهاد مذاکره بر سر برنامه هسته‌ای بیان کردند. از آن زمان تاکنون فراز و نشیب‌های فراوانی بین دو کشور گذشته است. مذاکرات طولانی برجام، اجرای آن، نقض‌های متعدد متن و روح برجام از سوی طرف آمریکایی و در نهایت خروج آمریکا از برجام با دستور اجرایی دونالد ترامپ. گرچه امروز نوک اصلی انتقادات به سمت آمریکا و شخص ترامپ نشانه رفته اما واقعیت این است که ترامپ تحریم‌هایی را برگردانده که پایه آنها در دوران اوباما ریخته شده است. با تصویب قعطنامه ۱۹۲۹، آمریکا با استفاده از زمینه‌سازی‌های بین‌المللی، کوهی از قوانین محدود کننده به‌خصوص تحریم‌های ثانویه را به تصویب رساند. در ژوئن ۲۰۱۰ باراک اوباما بلافاصله پس از صدور قطعنامه شورای امنیت سازمان ملل، قانون «سیسادا» یا قانون تحریم‌های جامع ایران را امضا کرد. این قانون تحریم‌های گسترده‌ای را بر بخش‌های گوناگونی در حوزه‌هایی همچون نفت و گاز به ایران تحمیل می‌کرد. با این حال شاید موثرترین بند این قانون، ماده ۱۰۴ آن بود. بر اساس این بند قانونی به دولت آمریکا، اختیار داده می‌شد تا در صورت مبادله بانکی هر موسسه مالی در سطح بین‌المللی با یکی از شخصیت‌های حقوقی و حقیقی تحت تحریم در ایران، ارتباط آن موسسه با نظام مالی آمریکا قطع شود. مسأله‌ای که هم اکنون به‌عنوان یکی از مهم‌ترین موانع ارتباط بین بانک‌های بین‌المللی و ایران قلمداد می‌شود. سلسله فرامین تحریمی دولت اوباما برای به زانو در آوردن ایران با قدرت تمام در سال‌های ۲۰۱۰ تا ۲۰۱۳ ادامه یافت.

آوار تحریم‌ها از دوره اوباما

در ۲۳ می ۲۰۱۱ اوباما طبق دستور اجرایی ۱۳۵۷۴ انسداد دارایی‌های ناقضین تحریم سیسادا را صادر کرد. بر اساس قوانین قبلی شرکت‌هایی که در حوزه نفت و گاز و انرژی در ایران سرمایه‌گذاری کنند، مشمول مجازاتی می‌شدند که به‌نوعی محرومیت از دریافت امکانات اقتصادی آمریکا محسوب می‌شد و به منظور محکم کردن تحریم سرمایه‌گذاری در بخش انرژی، اوباما طی این دستور علاوه بر مجازات‌های مذکور، اجازه انسداد دارایی‌های ناقضین تحریم را به وزارت کشور آمریکا صادر کرد. به این ترتیب دارایی شرکت‌هایی که بالای ۲۰ میلیون دلار در بخش نفت و گاز ایران سرمایه‌گذاری می‌کردند در معرض مصادره آمریکا قرار می‌گرفت. ۱۹ نوامبر سال ۲۰۱۱ وزارت خزانه‌داری آمریکا به موجب قانون CISADA اقدام به معرفی تحریم‌های یکجانبه جدیدی علیه ایران کرد. این قانون تحریمی با دستور اجرایی ۱۳۵۹۰ بخش صنایع پتروشیمی، بانک مرکزی و بخش مالی و زیرساخت‌های حمل‌ونقل در ایران را هدف گرفت و ده‌ها نام جدید را به فهرست نفرات تحریمی آمریکا افزود. محدودیت‌های اعمال‌شده جدید تمامی مؤسسات مالی را از انجام هرگونه مبادله مالی با بانک‌های ایران ـ ازجمله بانک مرکزی و مؤسسات تابع آن ـ منع کرده و ضمن توسعه تحریم‌ها علیه افراد ایرانی محدودیت‌های جدیدی علیه صادرات کالاهای ایرانی قائل شد.

وزارت خزانه‌داری آمریکا ۲۱ نوامبر ۲۰۱۱ بخش مالی ایران ازجمله بانک مرکزی را براساس بخش ۳۱۱ از قانون میهن‌پرستی آمریکا (USA Patriot)، جزو مؤسسات دارای خطر بالای پولشویی اعلام کرد. این اقدام موجب شد که نهادهای مالی آمریکا از هرگونه مبادله با بانک مرکزی ایران منع شوند. البته پیش‌تر به دلیل معرفی بانک مرکزی ایران به عنوان نهاد دولتی ایران، کلیه روابط بانکی بانک مرکزی ایران با نهادهای مالی آمریکا منع شده بود؛ اما این اقدام آمریکا بیشتر زمینه‌سازی برای تحریم‌های فراسرزمینی علیه ایران بود و تأثیر عملی بر فعالیت‌های بانک مرکزی نداشت. ۳۱ دسامبر ۲۰۱۱ اوباما «قانون اختیارات دفاع ملی» سال ۲۰۱۲ را امضا کرد. این قانون دارای یک متمم قانونی بود که رئیس جمهور آمریکا را ملزم می‌کرد بانک‌های خارجی در صورت تسهیل پرداخت هزینه‌های نفتی از طریق بانک مرکزی ایران، از افتتاح حساب در آمریکا محروم شوند. بند ۱۲۴۵ این قانون شیوه‌ای برای وضع تحریم‌های یکجانبه علیه بانک مرکزی ایران به‌کار برد که به‌موجب‌آن می‌توان آن دسته از مؤسسات مالی را که وارد مبادلات مالی با بانک مرکزی ایران می‌شدند با جریمه‌های سنگین روبه‌رو کرد.

برش

ادامه مسیر دموکرات‌ها

از سوی دیگر ترامپ معتقد بود که اگر قرار است دستاوردی در روابط آمریکا با ایران وجود داشته باشد باید متعلق به حزب جمهوریخواه و شخص ترامپ باشد. درواقع ترامپ با خروج از برجام می‌خواست به یک توافق دیگر با ایران دست پیدا و به‌عنوان یک دستاورد برای خود معرفی کند و همچنین ناکارآمدی و نادانی دموکرات‌ها را برجسته نماید. مشکل دوم ترامپ با این مسأله آن بود که اساسا ترامپ معتقد بود تحریم‌های اقتصادی باعث شده است که ایران پای میز مذاکره بیاید. بنابراین، این نیاز از سوی ایران است و باید ایران امتیاز بدهد و درعین‌حال آمریکا هیچ نیازی به این توافق‌نامه ندارد. درواقع ترامپ تصور می‌کرد که آمریکا می‌توانست بدون دادن هیچ امتیازی چنین توافق‌نامه‌ای را با ایران امضا کند. مشکل دیگر ترامپ و سایر دولت‌ها و حکومت‌های عمدتا غرب‌آسیا به‌ویژه رژیم‌صهیونیستی، عربستان، بحرین و... بود، چراکه ترامپ متوجه بود که میزان درآمدهای فروش تسلیحات به این کشورها به بهانه ایران‌هراسی درواقع چقدر زیاد است و بنابراین سعی داشت تا تهدید ایران را به‌صورتی دیگر نمایش دهد. مضافا این‌که ترامپ معتقد بود که باید توافق‌نامه برجام در سایر موضوعات منطقه‌ای نیز ادامه داشته باشد. درواقع برجام را به‌عنوان آغازی بر یک راه طولانی تصور می‌کرد که می‌تواند به عادی‌سازی روابط میان ایران و آمریکا منتهی شود. در این راه هم تصور می‌کرد که به‌دلیل فشارهای اقتصادی و تحریم‌ها قرار است تا ایران به‌عنوان طرفی که مدام قرار است تا امتیاز بدهد و آمریکا نیز به‌عنوان طرفی که قرار است تا از این امتیازها استفاده کند باشد؛ اما تاکید جمهوری اسلامی به توافق صرفا در موضوع فعالیت‌های هسته‌ای باعث شده بود که خود را بازنده ازسرگیری روابط تصور کند. همچنین فشار لابی‌های صهیونیستی و برخی کشورهای عربی بر دولت ترامپ نیز بی‌تأثیر نبود. این فشارها حاکی از این بود که عادی‌سازی روابط ایران با آمریکا ممکن بود به کمرنگ‌شدن نقش این کشورها در بسط و توسعه برنامه‌های آمریکا در منطقه منجر شود.

پاستور

رئیسی در نشست صمیمی، میزبان اصحاب رسانه شد

مانیفست همگرایانه رسانه‌ها در ضیافت افطار رئیس جمهور

سیدابراهیم رئیسی عصر پنجشنبه همزمان با سومین روز از ماه رمضان در نشستی با «اصحاب رسانه» پس از شنیدن دیدگاه‌های چند نفر از نمایندگان رسانه‌ها، در سخنانی ضمن آرزوی قبولی طاعات و گرامیداشت یاد شهدای رسانه به‌ویژه شهدای رسانه در غزه و فلسطین، به جایگاه مهم رسانه در مقابله با جنگ ترکیبی دشمن علیه ملت ایران اشاره کرد و گفت: امروز که راهبرد دشمن ایجاد یاس در جامعه با بزرگنمایی ضعف‌ها و ترویج «نمی‌توانید» و «نمی‌شود»ها است، تقسیم صحیح در میان رسانه‌ها، نه دسته‌بندی چپ و راست، بلکه دسته‌بندی رسانه‌های امیدآفرین در برابر یاس‌آفرین است. رئیس‌جمهور نقش، شأن و رسالت رسانه‌ها در آگاهی‌بخشی، اعتمادآفرینی و مشارکت‌آفرینی در جامعه را بسیار با اهمیت توصیف و تصریح کرد: بیان رسانه‌ها و قلم فعالان این عرصه نقش مهمی در حفظ وحدت و انسجام اجتماعی و نیز در کیفیت مقابله با جنگ ترکیبی، رسانه‌ای و روانی گسترده دشمن دارد. رئیسی با اشاره به این‌که در جامعه زمینه‌های فراوانی برای امیدآفرینی وجود دارد، رشد تولید، کاهش تورم، کنترل نقدینگی، رونق کار و فعالیت و بازگشت بیش از ۷۰۰۰ واحد تولیدی راکد به چرخه کار و تولید را به‌عنوان نمونه‌هایی از این نقاط قوت بیان و اظهار کرد: ازجمله اقدامات مؤثرب رای امیدآفرینی این است که دولت با اقدام و عمل و رسانه‌ها با قلم و بیان خود در مسیر ترویج نقاط قوت و تلاش برای رفع نقاط ضعف اقدام کنند. تلاش برای رفع شبهات و گره‌های ذهنی از دیگر تاکیدات رئیس‌جمهور در جلسه دیروز با اصحاب رسانه بود. خواست رئیسی از رسانه‌ها این بود که فارغ از این‌که چه کسی و چرا این گره‌ها را در ذهن مردم ایجاد کرده، به دنبال رفع آنها باشند تا تبدیل به مسأله و در نهایت ناامیدی و یاس نشود. رئیس‌جمهور با اشاره به مباحث مطرح در این جلسه درباره بررسی چرایی نرسیدن صدای پیشرفت کشور به همه بخش‌های جامعه، به‌رغم اقدامات خوب و زیربنایی که در کشور انجام شده است، جمع اصحاب رسانه را یکی از بهترین جمع‌ها و نشست‌ها برای بررسی این موضوع و موضوعات مشابه دانست. رئیس‌جمهور در ادامه با تأکید بر اهمیت نقش رسانه‌ها در جنگ روایت‌ها و تصویرسازی از دستاوردها و اقدامات بزرگ نظام و انقلاب با بهترین، مطمئن‌ترین، واقعی‌ترین و باورپذیرترین روایت‌ها، تصریح کرد: اجازه ندهید در این جنگ تصویرسازی دروغین و وارونه، رسانه‌های دشمن بر واقعیت و حقیقت غلبه کنند. رئیسی اهمیت حفظ مرجعیت رسانه‌های داخلی را مورد تأکید قرار داد و اظهارکرد: به رغم تلاش دشمنان برای انتقال مرجعیت خبری به خارج از مرزها، قطعا با تصویرسازی درست و صادقانه از حقیقت انقلاب و نظام اسلامی مرجعیت رسانه‌ای ما دچار خدشه نخواهد شد. رئیس‌جمهور با بیان این‌که انصاف ایجاب می‌کند در کنار پرداختن به نقاط ضعف و کاستی‌ها، نقاط قوت نیز انعکاس یابد، مطالبه‌گری همراه با پیشنهاد اصلاحی را شیوه صحیح تعامل رسانه‌ها با دولت دانست و گفت: اگر همگان در گفتن و بیان، دقیق باشیم و صرف‌نظر از سلیقه سیاسی، نقاط قوت کشور را برجسته کنیم، خواهیم توانست جامعه را سرشار از نشاط و امید کنیم، چراکه این دستاوردها متعلق به مردم و شهداست و باید به رخ کشیده شود. رئیس‌جمهور در بخش دیگری از سخنان خود با اشاره به نقش رسانه‌های غربی در انحراف افکار عمومی مردم دنیا از وقایع فلسطین و غزه، گفت: برخی رسانه‌ها با مزدوری برای آمریکا و رژیم صهیونیستی ضمن سانسور تظاهرات گسترده و بی‌سابقه مردم نقاط مختلف جهان علیه جنایتگری صهیونیست‌ها در غزه، در تلاش هستند که فضای به وجود آمده علیه رژیم صهیونیستی در رسانه‌های بین‌المللی دنیا منعکس نشود. رئیسی در ادامه تلاش برای اعتلای انقلاب اسلامی را ازجمله نقاط اشتراکی میان دولت و رسانه‌های داخلی برشمرد و با مروری کلی بر اقدامات صورت‌گرفته از سوی دولت در ۲/۵ سال گذشته، افزود: احیای کارخانه‌های نیمه‌تعطیل و تعطیل به‌رغم محدودیت‌های مالی، به‌سامان رساندن پروژه‌های نیمه‌تمام، کاهش مشکل ناترازی‌ها در صنعت آب و برق، تلاش ویژه جهت تثبیت بازار سرمایه با صرف‌نظر کردن از منافع دولت و همچنین توزیع کالابرگ و تأمین آب، برق، گاز و بیمه سلامت رایگان برای سه‌دهک پایین جامعه، ازجمله اقدامات دولت در مسیر گره‌گشایی از مشکلات کشور بوده که جا دارد رسانه‌ها توجه بیشتری در تبیین آنها داشته باشند.

برای دیدن فیلم این گزارش کیوآرکد را اسکن کنید